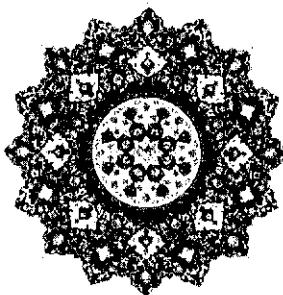


سیره جهادی حضرت مهدی (عج)

علی نقیزاده اکبری

ملفوظ همین علمی بروزه شنیده نحقیقات اسلامی



چکیده

جهاد مهمترین راه غلبة دین حق بعنى اسلام بر تمامی ادیان به دست حضرت مهدی(عج) است. چیرکی اسلام بر سایر ادیان که هدف نهایی جهاد آن حضرت است، با از بین بردن حاکمیت شرک و کفر و استقرار حاکمیت دین حق بر سراسر گیتی تحقق می‌یابد. در این جهاد بزرگ و مقدس، فرشتگان، مؤمنان و رعب، سپاهیان و یاوران آن حضرت‌اند، و جباران و ستمگران کافر و فتنه‌گران منحرف به‌ظاهر مسلمان. دشمنان آن حضرت. حضرت مهدی پیش از آغاز جهاد، مردم را به پذیرش دین حق دعوت می‌کند و از یاران خویش رعایت احکام شریعت را در طول جهاد با دشمنان می‌طلبد. شمشیر نماد جهاد و به کارگیری سلاح است. جهاد آن حضرت هشت‌ماهه به‌طول می‌انجامد.

کلید واژه‌ها: جهاد، حضرت مهدی (عج)، سیره، حاکمیت دین اسلام

مقدمه

از وعده‌های خدای متعال در قرآن کریم، چیرگی دین حق (اسلام) بر تمامی ادیان به رغم ناخشنودی کافران و مشرکان است.^۱ این وعده به بیانی دیگر در کتب آسمانی پیشین نیز آمده است. در آیه ۱۵ سوره آنیاء، خدای متعال می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الرُّؤْبُورِ مِنْ بَعْدِ الذُّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُها عِبَادُ الصَّالِحُونَ**; و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتم که زمین را بندگان شایسته ما به ارت خواهند برد.

به باور تمامی مسلمانان، وعده یاد شده، به دست مردی از سلاله رسول خدا(ص) تحقق خواهد یافت، و به اعتقاد شیعه، این مرد آسمانی و موعد کسی نیست جز نهمین فرزند از نسل امام حسین(ع)، فرزند امام حسن عسکری(ع)، حضرت مهدی(عج) که هم‌اکنون زنده و از دیده‌ها غایب است.

به دلالت برخی آیات که از مؤمنان خواسته با کافران حریبی بجنگند تا فتنه و شرک از روی زمین رخت بریندد و دین یکسره از آن خداگردد^۲ و دلالت روایت ذیل این آیات که این مهم در آخر الزمان رخ خواهد داد،^۳ و به تصریح بسیاری از روایات مربوط به مهدویت، جهاد مهم‌ترین راه غلبه دین حق بر تمامی ادیان به دست حضرت مهدی(عج) است؛ تا جایی که در برخی روایات، قیام آن حضرت، قیام با شمشیر خوانده شده است.^۴ اینک سخن در این است که سیره آن حضرت در جهاد چگونه است؟ آیا با سیره جهادی رسول خدا(ص) و امیر مؤمنان علی(ع) یکسان است یا متفاوت؟ پرسشهای فرعی این سؤال اصلی از این قرار است: هدف نهایی حضرت مهدی(عج) از جهاد چیست؟ به سخن دیگر، مراد از غلبه دین اسلام بر سایر ادیان چیست؟ سپاهیان آن حضرت کیان‌اند؟ با چه کسانی خواهند جنگید و چگونه و با چه ابزاری و در چه مدتی؟

این نوشتار بر آن است تا به اختصار به این پرسشها پاسخ دهد. پیش‌تر بیان این نکته باسته است که سیره جهادی حضرت مهدی(عج) برخلاف سیره جهادی رسول خدا(ص) و امیر مؤمنان(ع)، هنوز واقع نشده است، و از همین‌رو اخباری که از آن حکایت کرده‌اند، همه روایای آن را روشن نکرده‌اند.

۱. هدف جهاد حضرت مهدی(عج)

پرسشن اساسی در سیره جهادی حضرت مهدی(عج)، چگونگی غلبه دادن دین حق بر سایر ادیان است. آیا این چیرگی با مسلمان کردن پیروان ادیان دیگر اعم از وحیانی و غیر وحیانی

با قدرت شمشیر تحقق می‌یابد؟ بدیگر سخن، آیا حضرت مهدی(عج) با جهاد فراگیر خویش در پی آن است که غیرمسلمانان را مسلمان کند و اگر عده‌ای از پذیرفتن اسلام سر باز زدند، از صحنه‌گیتی براندازد تا جز پیروان دین اسلام باقی نمانند؟ از قضاپاره‌ای از روایات چنین محتوا و مضمنی دارند، از جمله: از امام کاظم(ع) درباره آیه ۸۳ سوره آل عمران^۵ سؤال شد، حضرت فرمود: «این آیه درباره قائم نازل شده است که بهود و نصاری و ستاره پرستان و بی‌دینان و مرتدان و کافران شرق و غرب عالم را از پناهگاهها یشان بیرون می‌کشد و اسلام را به آنها عرضه می‌کند، آن‌گاه هر کس به میل خود اسلام آوردا و راه به نمازو برداخت زکات و انجام آنچه بر یک مسلمان واجب است امر می‌کند و اگر اسلام نیاورد گردنش را می‌زند تا در شرق و غرب عالم جز موحد خدابرست کسی باقی نماند». ^۶ در روایت دیگر آمده: «چون مهدی قیام کند، جزیه برداشته می‌شود و غیر مسلمانی نماند. او مردم را با شمشیر به دین خدا دعوت کند، هر کس نپذیرد، گردن زند و هر کس سرکشی کند، خرد سازد». ^۷ در روایت دیگر، زراره بن اعین گوید: از امام باقر(ع) پرسیدم: آیا قائم با مردمان مانند پیامبر(ص) رفتار کند؟ فرمود: «هیهات، هیهات، پیامبر با ملامیت با مردم رفتار می‌کرد و می‌کوشید تا محبت مردم را در راه دین جلب کند و تألیف قلوب نماید، اما قائم ما با شمشیر و قتل با مردم روبرو شود. خدا به او این‌گونه امر کرده است که بکشد و توبه‌ای از کسی نپذیرد. وای به حال کسی که با مهدی بر سر ستیز آید». ^۸

به رغم این روایات، پاسخ پرسش مذکور منفی است، زیرا به صراحة برخی آیات، تحمیل عقیده و ایمان - گرچه حق باشد - از آن رو که امری قلی و درونی است، ناشدنی است. تحمیل ظاهری اسلام نیز هرچند ممکن است و می‌توان بهزور، کسی را وادار به گفتن شهادتین نمود، اما خدای متعال آن را اراده نکرده است. در آیه ۹۹ سوره یونس خطاب به رسول خدا(ص) آمده است: «اگر بپروردگارت می‌خواست، بی‌گمان هر که در زمین است، همه یکسر ایمان می‌آوردند. پس، آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که ایمان آورند؟» آنچه خدای متعال اراده کرده این است که آدمیان در پرتو هدایت رسول خدا(ص)، خود به اختیار و با آگاهی دین حق را برگزینند. البته تهدید و انذار نیز فرموده که اگر کسانی با سوء اختیار و از روی عناد از پذیرفتن دین حق سر باز زنند، در آخرت دچار عذابی سخت و دردناک خواهند شد.^۹ از این رو، هدف جهاد حضرت مهدی(عج) همچون هدف جهاد رسول خدا(ص) تحمیل اسلام با قدرت سلاح و شمشیر و مراد از چیرگی دین حق بر سایر ادیان، مسلمان کردن غیر مسلمانان از راه زور نیست.

البته این حقیقت با این مطلب که در آخرالزمان اکثریت نزدیک به همه ساکنان زمین، به اختیار و با آگاهی به دین حق گرایش پیدامی کنند و مسلمان می شوند، نه تنها متفاوت ندارد، بلکه با چیرگی دین حق به مفهومی که پس از این خواهد آمد، زمینه گرایش غیرمسلمانان به آن فراهم می شود.

مفهوم دیگر غلبه دین حق بر سایر ادیان با جهاد، از میان برداشتن حاکمیت شرک و کفر و ستم، و استقرار حاکمیت دین حق در سراسر گیتی است. معنای استقرار حاکمیت دین حق در پهنه گیتی، تشکیل حکومتی جهانی بر اساس تعالیم و آموزه های قرآن و سنت رسول خدا(ص) و پیشوایان معصوم(ع) و جاری شدن احکام اسلامی و قوانین و مقررات منطبق با شرع و موازین اسلامی در همه زمین است. آیاتی چند بر این معنای غلبه دین حق دلالت دارند، از جمله آیه ۵۵ سوره نور، خدای متعال در این آیه به مؤمنان و عده داده است که دین مورد پسند آنان یعنی اسلام را در سراسر گیتی حاکم فرماید. مراد از «تمکین دین» در عبارت «وَيُكِنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ» به قرینه آیات بسیاری که این ماده در آنها به کار رفته،^{۱۰} استقرار حاکمیت دین اسلام است نه صرف گسترش آن در میان افراد. همچنین در آیه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونُ فِتْنَةٌ وَيَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ». ^{۱۱} جهاد تارفع فتنه واجب شده است. معنای فتنه به گفته برخی مفسران به قرینه «ویکون الدين لله» شرک است.^{۱۲} از آنجا که تحمیل اسلام بر مشرکان مردود است، مراد از «یکون الدين لله» استقرار حاکمیت اسلام است. در آیه جزیه^{۱۳} نیز که غایت حکم جهاد با اهل کتاب، پرداخت جزیه با حالت خضوع است، «عَنْ يَدِ» کنایه از قدرت و سلطه مسلمانان و «هُمْ ضَاغِرُون» کنایه از پذیرش حاکمیت دین اسلام از سوی اهل کتاب است.^{۱۴}

هدف نهایی جهاد حضرت مهدی(عج)، استقرار حاکمیت دین حق در سرتاسر جهان است، همان هدفی که رسول خدا(ص) با جهاد خویش، در سرزمین حجاز تحقق بخشید. در روایات مربوط به حضرت مهدی(عج) آمده است که آن حضرت شهرهای شرک^{۱۵} و دزهای گمراهی^{۱۶} را در هم خواهد کوبید و زمین را از ستم پاک خواهد نمود و شرق و غرب عالم را فتح خواهد کرد.^{۱۷} همچنین آمده است که آن حضرت همچون رسول خدا(ص) با اهل کتاب با مسالمت رفتار خواهد کرد و اهل کتاب با خضوع به او جزیه خواهد پرداخت.^{۱۸} تمامی این روایات گواه آن است که هدف نهایی جهاد آن حضرت، استقرار حاکمیت اسلام در سراسر گیتی است.

۲. سپاهیان حضرت مهدی

بررسش دیگر درباره سیره جهادی حضرت مهدی(عج) این است که سپاهیان آن حضرت چه کسانی اند. در روایتی از امام صادق(ع) پاسخ این بررسش نهفته است که حضرت مهدی(عج) را سه سپاه یاری می دهند؛ سپاه فرشتگان، سپاه مؤمنان و سپاه رعب.^{۱۹}

۱- ۲. سپاه فرشتگان: در روایت آمده که خدای متعال مهدی(عج) را با سه هزار فرشته یاری می کند.^{۲۰} نیز آمده که جبرئیل جلو دار و میکائیل عقب دار لشکر او هستند.^{۲۱} در برخی روایات نیز آمده که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ او قرار دارند.^{۲۲} در اینکه فرشتگان الهی چگونه آن حضرت را یاری می کنند، چند احتمال وجود دارد که احتمال صحیح آن است که فرشتگان الهی، روح ایمان، شجاعت و حماسه و ایثار را در قلب و جان مجاهدان و یاوران آن حضرت می دمند و عزم آنان را در جهاد با دشمنان راسخ تر و استوارتر می گردانند، همچنان که روحیه و عزم دشمنان را ضعیف و سست می کنند.^{۲۳} در قرآن کریم آمده است که فرشتگان الهی مجاهدان مؤمن را در جنگهای بدر، احزاب و حنین یاری رسانند^{۲۴} و این یاری، دادن بشارت به آنان و آرامش بخشیدن به دلهای آنان بود.^{۲۵}

۲- ۲. سپاه مؤمنان: افزون بر سپاه فرشتگان و سپاه رعب که امداد غبی به شمار می آیند، مؤمنان نیز حضرت مهدی(عج) را یاری می کنند. قیام جهانی آن حضرت صرفاً با امداد غبی و بدون بهره گیری از اسباب و عوامل فیزیکی -که نیروی انسانی بر توان و کارآمد از مهم ترین آنها بدشمار می رود- به ثمر نمی نشینند، چنان که رسول خدا(ص) نیز در جهاد با مشرکان افزون بر امداد غبی از توان مجاهدان مؤمن سود برد، هرچند این توان نیز به نوعی تأیید و امداد الهی بود. خدای متعال به پیامبر(ص) می فرماید: **هُوَ الَّذِي أَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ** (الفاطمیة: ۶۲)؛ همو (الله) بود که تو را بیاری خود و مؤمنان نیز مند گردانید.

در روایت آمده که حضرت مهدی(عج) پس از ظهور در نخستین سخنرانی های خود، در کنار استمداد از خدای متعال، از مردم و مسلمانان یاری می طلبد.^{۲۶} در بی این فراخوانی است که ابتدا ۳۱۳ نفر- به تعداد مجاهدان جنگ بدر و نیز کسانی که از امتحان نتوشیدن آب سر بلند بیرون آمدند و با طالوت به جنگ جالوت رفتند- معجزه گونه پیرامون او گرد می آیند و به ندای یاری خواهی او لبیک می گویند.^{۲۷} این عده، یاران خاص آن حضرت و بنیان و اساس و فرماندهان سپاه مقتدر اویند. در روایت آمده که پس از یاران خاص، ده هزار نفر از نقاط مختلف جهان گرد او حلقه می زنند تا یاری اش کنند.^{۲۸}

مجاهدان حاضر در رکاب حضرت مهدی(عج)، مردانی مؤمن، استوار، صبور، نیرومند و خستگی ناپذیرند. امام صادق(ع) در وصف آنان فرموده است: «حضرت مهدی مردانی دارد که گویا دلهاشان پاره‌هایی از پولاد است که اندک تردیدی در آنها راه ندارد. در راه خدا سخت‌تر از صخره‌اند. اگر بر کوهها یورش برند، آنها را از جای بر کنند... شبهای را به عبادت سپری می‌کنند و صبحگاهان سوار بر اسبان خویش‌اند. زاهدان شب و شیران روزند. نسبت به آن حضرت سخت فروتن و اطاعت‌پذیرند. آنان همچون مشعلهای فروزان‌اند و دلهاشان مانند قندیل‌هایی از نور است. تنها از خشیت الهی در هراس‌اند و همواره آرزوهای شهادت در راه خدا را در سر دارند... خدا با آنان امام حق را یاری می‌کند». ^{۲۹} در روایت دیگر آمده: «چون قائم ما قیام کند، خدای متعال بیماری و ناراحتی را از شیعیان مامی‌برد و دلهاشان را همچون پاره‌های آهن قرار می‌دهد و توان هر مردی از آنان را با توان چهل مرد برابر می‌گردداند». ^{۳۰} در روایت دیگر آمده: «چون امر ما واقع شود و مهدی ما قیام کند، هر یک از شیعیان ما از شیر شجاع‌تر و از نیزه بُرُّاتر و کاری تر خواهد شد». ^{۳۱} به لحاظ سنی، اکثر باران حضرت مهدی(عج) جوان‌اند و افراد کهنسال، نادر. ^{۳۲} در روایت آمده که آن حضرت برای انتخاب باران خویش، آنان را می‌آزماید. ^{۳۳}

۳-۲. سپاه رعب: رعب به معنای ترس شدید از جنودی است که به شهادت برخی آیات، رسول خدا(ص) و مجاهدان صدر اسلام را در جهاد با مشرکان و کافران نصرت بخشید، ^{۳۴} و به گواهی روایات متعدد، حضرت مهدی(عج) و بارانش را یاری خواهد کرد. بنا بر یکی از این روایات، رعب به اندازه مسافت یک ماه از پیش و پس و راست و چپ آن حضرت حرکت می‌کند و بر دل دشمنانش افکنده می‌شود. ^{۳۵} این روایات نشان می‌دهد که بسیاری از دشمنان حضرتش با سلاح رعب توان رویارویی را از کف می‌دهند و از پا می‌افتد، هر چند به سلاحهای پیشرفته و پیچیده مجهز باشند.

۳. دشمنان حضرت مهدی(عج)

پاسخ این برسین که حضرت مهدی(عج) با چه کسانی خواهد جنگید، این است که کسانی که در راه استقرار حاکمیت دین بر سراسر گیتی باشند، آماج شمشیر آن حضرت قرار خواهد گرفت و از صحنه روزگار محظوظ خواهد شد. بنا بر آنچه در روایات آمده، اینان دو دسته‌اند؛ دسته نخست، جباران و ستمگران‌اند که با تکیه بر ثروت و قدرت خویش،

حاکمیت کفر و شرکت و گمراهی را در دست دارند و جز ستم و جنایت و پایمال کردن حقوق انسانها پیشه‌ای ندارند. در روایت آمده که «هیچ ستمگری باقی نمی‌ماند مگر اینکه بدست آن حضرت هلاک می‌شود». ^{۳۶} دسته دوم، حاکمان و گروه‌های به ظاهر مسلمان‌اند که سخت منحرف و مستبد و جنایت‌پیشه‌اند. همان فتنه گرانی که آیات قرآن کریم را بر اساس تمايلات و هواهای نفسانی خویش تفسیر و تأویل می‌کنند و تنها خویش را مسلمان می‌پندارند. و دیگران را کافر. اینان همچون خوارج با دست آویز قرار دادن قرآن صامت، با قرآن ناطق (حضرت مهدی) احتجاج می‌کنند. در روایت آمده که «قائم(ع) در جهادش با چیزی برخورد می‌کند که رسول خدا(ص) برخورد نکرد، زیرا رسول خدا(ص) به جنگ کسانی رفت که سنگ کنده کاری و چوب تراشیده شده را می‌برستیدند، ولی کسانی بر قائم خروج می‌کنند که کتاب خدا را بر او تأویل می‌نمایند و به استناد آن با او می‌جنگند». ^{۳۷} از روایات استفاده می‌شود که حضرت مهدی(عج) حرکت جهادی خویش را با جنگ با فتنه گران منحرف می‌آغازد و ابتدا فتنه را در جهان اسلام خاموش می‌کند و فتنه گران را از سر راه بر می‌دارد، آنگاه به سراغ حاکمان شرک و کفر می‌رود. ^{۳۸} آن حضرت در خشکاندن ریشه فتنه و نابودی فتنه گران چنان مصمم و قاطع است که بسیاری از همین فتنه گران می‌گویند که او از آل محمد نیست، اگر از آل محمد بود، حتماً رحم و شفقت می‌ورزید. ^{۳۹} از این رو، آنچه در روایات درباره قتل و کشtar به دست حضرت مهدی(عج) آمده، مربوط به انسانهای ستمگر، منحرف و فتنه‌گری است که در برایر حاکمیت دین حق سر فرود نمی‌آورند، اما توده‌های مستضعف خواه کافر یا مسلمان، تنها سهمی از شمشیر آن حضرت ندارند، بلکه در پرتو لطف و شفقت و عدالت‌گستری و حق محوری اش، از ظلم و ستم و انحراف رها و فوج و فوج وارد دین خدا می‌شوند و به رستگاری می‌رسند.

۴. چگونگی جهاد حضرت مهدی(عج)

از آنجاکه جهاد منهای دعوت به پذیرش دین حق و تمکین در برابر آن مشروع نیست، حضرت مهدی(عج) نیز پس از ظهور و پیش از دست بردن به شمشیر، مردم جهان را بدین حق فرا می‌خواند. از امام سجاد(ع) نقل شده که حضرت مهدی پس از قیام می‌فرماید: «ای مردم، من فلانی فرزند فلانی هستم، من پسر پیغمبر خدا هستم، شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پیامبر خدا شما را به آن فراخواند». ^{۴۰} در روایت دیگر آمده «مردم! پایان

جهان و فرجام آن نزدیک شده و دنیا جدایی خویش را اعلان کرده است. من شما را به سوی خدای یکتا و پیام آورش، محمد(ص)، و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیای سنت فرامی خوانم». ۴۱

همچنین از برخی روایات استفاده می‌شود که بنای حضرت مهدی در جهاد با دشمنان این است که خون کسی به ناحق نریزد و حریم بی‌گناهی شکسته نشود و خانه‌ای ویران نگردد و به طور کلی احکام شریعت رعایت گردد و هیچ حقی از صاحب حقی پایمال نشود. در روایتی آمده که «آن حضرت از یارانش بیعت می‌گیرد که دزدی و زنانکنند و مسلمانی را دشنام ندهند و نفس محترمی را نکشند و حریم محترمی را هستک و منزلی را ویران نکنند». ۴۲ در روایت دیگر آمده که فرمان آن حضرت در جنگ با فتنه گران به ظاهر مسلمان این است که «هر کس را که فرار کرده و دست از مقاومت کشیده است نکشید، مجروحان را آسیبی نرسانید». ۴۳ البته روایاتی با این مضمون نیز وجود دارد که سیره حضرت مهدی(عج) در جنگ با بغات و فتنه گران با سیره حضرت علی(ع) تفاوت می‌کند. در روایتی از قول علی(ع) آمده است: «برای من کشتن فراری و مجروح جایز بود، اما آن را برای سرنوشت یارانم - که اگر [پس از من در جنگ] مجروح شدند، [با استناد سیره من] کشته نشوند - ترک کردم، اما برای قائم [چون چنین مصلحتی وجود ندارد] کشتن فراری و مجروح جایز است». ۴۴

۵. سلاح و مدت جهاد حضرت مهدی(عج)

در روایات از شمشیر به عنوان سلاح حضرت مهدی(عج) در جنگ با دشمنانش بسیار سخن رفته است. در اینکه واژه شمشیر در این روایات در معنای حقیقی به کار رفته یا نه اختلاف است، برخی معتقدند که شمشیر، نماد و رمز جهاد و کاربرد سلاح است. از این‌رو، معنای این روایات این نیست که آن حضرت در آخرالزمان از شمشیر استفاده می‌کند، بلکه سلاحهای متعارف عصر ظهور را به کار می‌برد. علت کاربرد این واژه در روایات، رعایت سطح فکری و فرهنگی مردم عصر صدور این روایات است.^{۴۵} زیرا آنان سلاحی جز شمشیر نمی‌شناختند و پیشگویی سلاحهای عصر ظهور برای آنان قابل فهم و درک نبود. برخی دیگر برآن اند که از ظاهر این روایات بر می‌آید که خداوند اراده کرده که حضرت مهدی(عج) راه‌های گونه یاری کند که پیامبران پیشین و رسول خدا(ص) را یاری کرده است. از این‌رو،

هر چه در خدمت آن‌ها بوده، در خدمت آن حضرت هم خواهد بود و بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم که آلات و ابزارهای معمول و رایج در زمان ما و یا وسایل و تجهیزات جنگی پیشرفته‌تری که در آینده ساخته می‌شود، به علل معنوی یا ظاهری که بر ما پوشیده است، در زمان ظهور بدون استفاده خواهند ماند و از رونق خواهند افتاد.^{۴۶} اما اینکه جهاد آن حضرت چه مدت به طول می‌انجامد، بیشتر روایات هشت‌ماه را ذکر کرده‌اند.^{۴۷}

نتیجه‌گیری

انقلاب و قیام جهانی حضرت مهدی (عج) همچون بعثت رسول خدا (ص) بدون جهادی سخت و نفس‌گیر به سامان نمی‌رسد. بدیگر سخن، جهاد آزمونی است دشوار که فرا راه مردمان عصر ظهور است، چنان‌که مردمان عصر بعثت نیز با جهاد در راه خدا امتحان شدند. نیروهای مسلح ما اگر مشتاقانه از خدای متعال می‌خواهند که ظهور آن منجی بزرگ را درک کنند و در خدمت آرمان بلند او فرار گیرند و از یاوران او باشند، باید روز به روز برآمدگی معنوی و روحی و رزمی و تسلیحاتی خوبی بیفزایند، زیرا آمادگی همه‌جانبه برای کارزار با دشمنان، فرمان جاودان قرآن کریم به همه مؤمنان در همه عصرهای است.^{۴۸}

پی‌نوشت‌ها:

۱. «او کنسی است که پیامبر را با هدایت و دین درست فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هرچند مشرکان خوش نداشته باشند». توبه (۹)، آیه ۳۳. همجنین ر.ک: فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ صفحه (۶)، آیه ۹.
۲. «با آن بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین مخصوص خدا شود...». بقره (۲)، آیه ۱۹۳. همجنین ر.ک: انفال (۸)، آیه ۳۹.
۳. زرارة و دیگران از امام صادق (ع) روایت کرده‌اند که حضرت فرمود: «هنوز تأویل و تحقق این آیه (آیه ۳۹ انفال) فرا نرسیده است. هنگامی که قائم ما قیام کند، کسانی که او را درک می‌کنند، تأویل این آیه را خواهند دید...».
۴. مجمع‌البيان، طبرسی (دارالمعارف للطباعة والنشر، چاپ اول، ۱۴۰۶ ه.ق، بیروت) ج ۳ - ۴، ص ۸۳۴.
۵. ر.ک: عقد الدرر فی اخبار المنتظر، یوسف بن یحیی الشافعی (دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه.ق، بیروت) ص ۱۶.
۶. ظهور نور (ترجمه الشموس المضيّة)، علی سعادت‌پرور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد (انتشارات تشیع، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه.ق)، ص ۲۰۸.
۷. خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۴) ص ۳۱.
۸. همان.
۹. ر.ک: نساء (۴)، آیه ۱۷۳.
۱۰. ر.ک: یوسف (۱۲)، آیه ۲۱ و ۵۶؛ کهف (۱۸)، آیه ۸۴؛ حج (۲۲)، آیه ۴۱.



١١. بقره(٢)، آية ١٩٣.
١٢. ر.ك: الميزان، علامه طباطبائی، (مؤسسة الاعلی للطبعات، چاپ پنجم، ١٤٠٣ ه.ق، بيروت) ج ٢، ص ٦٢.
١٣. توبه(٩)، آیه ٢٩.
١٤. ر.ک: الميزان، ج ٩، ص ٢٤٢ - ٢٤٣.
١٥. المهدی، سید صدرالدین صدر، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، (دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ١٣٧٩، قم) ص ٢٣٨.
١٦. عقدالدرر، ص ١٥٣.
١٧. المهدی، ص ٢٣٤.
١٨. بحارالانوار، علامه مجلسی، (مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ١٤٠٣ ه.ق، بيروت) ج ٥٢ ص ٣٨١.
١٩. همان، ص ١٣٩.
٢٠. المهدی، ص ١١٣.
٢١. عقدالدرر، ص ١٠٠.
٢٢. تاريخ ما بعد الظهور، محمد صدر، (دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم، بيروت)، ص ٤٤٤.
٢٣. همان، ص ٥٥٤.
٢٤. ر.ک: آل عمران(٣)، آیه ١٢٤ و ١٢٥ و ١٢٦؛ انجال(٨)، آیه ٩؛ توبه(٩)، آیه ٢٦؛ احزاب(٣٣)، آیه ٩.
٢٥. ر.ک: آل عمران(٣)، آیه ١٢٦؛ انجال(٨)، آیه ١٠.
٢٦. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٢٢٣ و ٢٣٨.
٢٧. المهدی، ص ٢٢٢.
٢٨. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٦٨ - ٣٦٧.
٢٩. همان، ص ٣٠٨.
٣٠. ظهور نور، ص ٢٢٦.
٣١. همان.
٣٢. همان، ص ١٨٨.
٣٣. همان، ص ١٩١.
٣٤. ر.ک: انجال(٨)، آیه ١١٢؛ آل عمران(٣)، آیه ١٥١؛ حشر(٥٩)، آیه ٢؛ احزاب(٣٣)، آیه ٢٦.
٣٥. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٦٠.
٣٦. عقدالدرر، ص ١٤٢.
٣٧. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٦٣.
٣٨. تاريخ ما بعد الظهور، ص ٥٥٨ - ٥٥٩.
٣٩. عقدالدرر، ص ١٦٠.
٤٠. ظهور نور، ص ١٦٨.
٤١. عقدالدرر، ص ١٠٦ - ١٠٥.
٤٢. منتخب الأثر في الإمام الثاني عشر(ع)، لطف الله صافى گلبایگانی، (مكتبة الصدر، چاپ سوم، تهران)، ص ٤٦٩.
٤٣. بحارالانوار، ج ٥٢، ص ٣٨٧.
٤٤. همان، ص ٣٥٣.
٤٥. تاريخ ما بعد الظهور، ص ٥٨٢ - ٥٨٣.
٤٦. ظهور نور، ص ٢٠٢ - ٢٠٣.
٤٧. تاريخ ما بعد الظهور، ص ٥٨٧ - ٥٨٩.
٤٨. انجال(٨)، آیه ٠٦.